

ضرورت آموزش عمومی

دکتر علی اصغر احمدی

گونگون به منظور کسب آمادگی های بیش تر برای انجام وظایف خود سپری می کنند، همگی افراد احتیاج به آموزش هایی دارند که اصطلاحاً آموزش های عمومی یا همگانی نامیده می شود. آموزش های عمومی، آموزش هایی است که بنا به مقتضیات و شرایط حاکم بر زندگی فردی و اجتماعی، باید به وسیله دستگاه ها و سازمان های ذی ربط به آحاد جامعه ارائه شود. این آموزش ها برای به روز کردن اطلاعات افراد جامعه و برای مواجه شدن درست با مسائل و مشکلات مبتلا به، انجام می گیرد. به این ترتیب نوع این آموزش ها بر اساس مقتضیات و ضرورت های زندگی روزمره مردم تعیین می شود و هدف آن بالا بردن ضریب سازگاری آنان با شرایط در حال تغییر و دگرگونی است.

مسلم است که انسان بدون تربیت و تعلیم نمی تواند در زندگی فردی و اجتماعی خود موفقیتی کسب کند. انسان ها در تمامی زمان ها و مکان ها احتیاج به آموزش داشته اند. چه آن زمانی که انسان به صورت بدوی زندگی می کرد، چه در قرون و اعصار میانه، چه در زمان حاضر که علم و معرفت و هنر از پیشرفت اعجاب آوری برخوردار است و چه در زمان های آینده که زندگی انسان با تغییرات دیگری مواجه خواهد شد، انسان پیوسته نیازمند آموزش بوده و خواهد بود. انسان بدوی برای استفاده از ابزار اولیه و نیز چگونگی مواجه شدن با شرایط و موقعیت ها و خطرات، باید آموزش می دید. در فرازهای دیگر تاریخ نیز این آموزش ها به مقتضای شرایط و محیط، دگرگون شده، ولی پیوسته برای زندگی ضروری بوده است.

در شرایط کنونی، علاوه بر آموزش هایی که کودکان، نوجوانان و جوانان در مراکز آموزشی می بینند و برای زندگی اجتماعی آماده می شوند، و نیز افزون بر کارآموزی هایی که شاغلان مشاغل

می‌دهند. از جمله این نزاع‌ها، نزاع‌هایی است که صاحبان اموال و مغازه‌دارها با سارقین دارند. در اثر این نوع نزاع‌ها همه ساله عده‌ای از هم‌میهنان ما مصدوم می‌شوند و در مواردی نیز افرادی جان خود را از دست می‌دهند.

از جمله آموزش‌هایی که در زمینه رعایت ایمنی و حفظ سلامت، باید به مردم داده شود.



برای تعیین انواع این آموزش‌ها و نیز ضرورت هر یک، لازم است مقوله‌های مهم این نوع آموزش‌ها را جداگانه مورد بحث قرار دهیم تا نقش هر یک از آن‌ها در زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها مورد توجه قرار گیرد. مهم‌ترین مقوله‌های این آموزش‌ها عبارت‌اند از:

۱- آموزش‌های مربوط به ایمنی و حفظ

سلامت:

این دسته از آموزش‌ها همان‌گونه که از نامشان پیداست به منظور بالا بردن ضریب ایمنی انسان‌ها و حفظ سلامت و زندگی آنان انجام می‌گیرد. در میان آموزش‌های عمومی، این دسته از آموزش‌ها از عینیت و تشخیص بیش‌تری برخوردار است و در زمان حاضر، هر چند جسته و گریخته، ولی به نحو مشخص و آشکار به عموم مردم ارائه می‌شوند. آموزش رعایت بهداشت، رعایت نکات ایمنی در استفاده از برق، گاز، آب آشامیدنی و انواع خوراکی‌ها، از جمله این آموزش‌هاست که هرازگاهی از طریق رسانه‌های جمعی از جمله رادیو و تلویزیون شاهد ارائه آن هستیم.

این نوع آموزش‌ها باید پیوسته مورد تأکید قرار گیرد و به شکل منظم و نظام‌دار به مردم ارائه گردد. علاوه بر این‌ها باید به انواع دیگری از این آموزش‌ها بیش‌تر پرداخته شود. برای مثال سوانحی وجود دارند که سالیانه عده‌ای از انسان‌ها را معیوب کرده، یا حتی جان آنان را به مخاطره می‌اندازند، در حالی که در زمینه اجتناب از آن خطرهای آموزشی به مردم داده نمی‌شود. به عنوان مثال مشاجرات و نزاع‌هایی که در کوچه و خیابان و گاه بین افراد فامیل روی می‌دهد و گاه در اثر زد و خورد، کس یا کسانی مجروح یا مصدوم شده، گاهی نیز کسانی در این میان جانانشان را از دست



اگرچه باید به این نکته نیز توجه داشته باشیم که پایین بودن سطح دانش و آگاهی، مشکلاتی از جمله مشکلات اقتصادی را موجب می‌شود که این مشکلات خود بر عمیق‌تر شدن معضلات فکری و فرهنگی نیز می‌افزاید.

از جمله موارد دیگری که در زمینه رعایت نکات ایمنی و بهداشتی باید مورد توجه قرار گیرد، بروز مشکلات بهداشتی و تهدید سلامت، در اثر وجود عوامل نامساعد روانی و تربیتی است. برای مثال بخشی از آسیب‌های جسمانی انسان‌ها ناشی از فشارهای روانی است. بیماری‌های روان-تنی،^۱ بیماری‌هایی هستند که ناشی از فشارهای روانی‌اند. امروزه مرگ و میر ناشی از بیماری‌های قلبی، در رأس علل مرگ و میرها در تهران قرار دارد. سکتة قلبی و مغزی که یکی از فراوان‌ترین عوارضی است که منجر به مرگ می‌شود، در بسیاری موارد در اثر عوامل روانی یعنی فشارهای روحی به وجود می‌آیند و تعدادی از آسیب‌های دستگاه گوارش، مثل زخم معده و اثنی عشر و تعداد دیگری از اختلالات روان-تنی، حاصل مشکلات روانی‌اند.

نحوه هزینه کردن درآمد‌هایشان در مقوله‌هایی چون مسکن، پوشاک، غذا و رعایت نکات بهداشتی است. عده‌ای از مردم به دلیل ناآگاهی، سهم کمی از درآمد خود را صرف تغذیه مناسب کرده، به زعم خود حاصل این صرفه‌جویی را پس‌انداز می‌کنند. غافل از این که پس از مدتی ناگزیر می‌شوند چند برابر آن چه را که پس‌انداز کرده‌اند، صرف درمان کنند و در بسیاری موارد، نه تنها سلامت اولیه را باز نمی‌یابند که در اثر بیماری خود و فرزندانشان، از رشد لازم در زمینه تحصیل و کسب مهارت‌ها نیز به دور می‌مانند و افرادی ناتوان و معلول را بر روی دست جامعه می‌گذارند. به این قبیل افراد نیز باید در زمینه نحوه توزیع درآمد‌هایشان آموزش‌هایی را ارائه کرد. یکی از کج‌فهمی‌های این گونه افراد این است که پایین بودن سطح درآمدی خود را علت‌العلل تمام بدبختی‌هایشان می‌دانند. در حالی که علت مهم بسیاری از مشکلات، حتی پایین بودن سطح درآمد، پایین بودن سطح آگاهی‌های آن‌هاست. مشکلات اقتصادی، اکثر اوقات تابعی است از مشکلات علمی، فکری و فرهنگی، نه علت آن‌ها.

کشور را بر پیش‌گیری از آسیب دیدن آن‌ها ترجیح می‌دهد.

۲- آموزش‌های مربوط به رفتار اجتماعی:

یکی دیگر از زمینه‌های مورد نیاز برای آموزش‌های عمومی، آموزش رفتار اجتماعی است. هنگامی که جامعه روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شود و زندگی از حالت بسیط روستایی به صورت زندگی شهری در می‌آید (آن هم شهری که حضرت امام (ره) به دلیل بزرگی بیش از حد، آن را بلاد کبیره نامید و حتی بر آن قواعد فقهی جداگانه‌ای را مرتب دانست)، به ناچار انسان‌ها باید برای زندگی در چنین جامعه‌ای آموزش ببینند. بنابراین باید دستگاه‌هایی این وظیفه مهم را عهده‌دار شوند و برای آماده‌سازی افراد برای زندگی اجتماعی آموزش‌های لازم را به آنان ارائه کنند.

ساده‌ترین این آموزش‌ها مربوط به رعایت حقوق دیگران است. هنوز در شهرهای ما رعایت حقوق دیگران نهادینه نشده است. در روستاها و نقاط کوچک، مردم به دلیل آشنایی‌های چهره‌به‌چهره، بیش‌تر حقوق یکدیگر را رعایت می‌کنند تا در محیط‌های بزرگ و شلوغ.

ایرانیانی که از خارج وارد کشور می‌شوند، با وضعیت زنده‌های، برای عبور سریع‌تر از صف کنترل‌های مربوط به گذرنامه، چنان بر یک‌دیگر سبقت می‌گیرند که دل هر بیننده‌آگاهی را به درد می‌آورند. خارجیانی که بعضاً همراه این مسافران وارد کشور می‌شوند، رفتار نامناسب ایرانیان را با پوزخند و تمسخر می‌نگرند. آیا این افراد برای داشتن رفتار اجتماعی مناسب نیازی به آموزش ندارند؟!

برای جلوگیری از این آسیب‌ها باید به مردم آموزش داد. این نوع آموزش‌ها در زمره آموزش‌های عمومی‌اند. باید در مورد نحوه مواجهه شدن با فشارهای روانی و چگونگی کاستن از اثرات آن‌ها نیز به مردم آموزش داد. در صورتی که این آموزش‌ها به مردم ارائه نشود، سالیانه شمار زیادی انسان ناتوان، معلول و محتاج کمک در جامعه پیدا می‌شوند که باید برای کمک‌رسانی به آن‌ها بخش‌هایی از سرمایه‌های مادی و انسانی جامعه به کار گرفته شوند. در اثر مرگ و میرهای حاصل از این عوامل، عده‌ای انسان‌بی‌سرپرست و نیازمند کمک در جامعه رها می‌شوند که برای کمک به آن‌ها نیز باید امکانات جامعه بسیج گردند.

امروزه متأسفانه به جای آن که برنامه‌ریزان جامعه به سرمنشاء مشکلات بیندیشند، بیش‌تر به کمک‌رسانی به معلولان و آسیب‌دیدگان حاصل از این ناآگاهی‌ها فکر می‌کنند. آنان به جای این که نهادهایی را که در زمینه آموزش عمومی فعال‌اند، تقویت کنند، به تقویت نهادهایی چون کمیته امداد می‌پردازند. بخشی از این سوء تدبیر به عهده سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور است. این سازمان هنوز به خوبی واقف نیست که بودجه عمومی کشور در مواجهه شدن با مسائل فرهنگی و انسانی می‌باید در چه مسیری هدایت شود. آنان منتظرند که بر جمع معلولان، نیازمندان و مستمری بگیران روز به روز افزوده شود و بودجه عمومی کشور نیز به آن سمت سوق پیدا کند. افزایش روزافزون بودجه نهادهایی چون کمیته امداد، بهزیستی و ستاد مبارزه با مواد مخدر و نیز دستگاه‌های انتظامی و قضایی، از جمله زندان‌ها ناشی از این است که سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور مواجه شدن با آسیب دیدگان

در زمینه آموزش‌های اجتماعی، گفتنی‌ها و آموختنی‌های بسیاری وجود دارد که در هر حال باید به آموزش آن‌ها پردازیم.

۳- آموزش‌های تربیتی:

یکی از مقوله‌های مهم در آموزش‌های عمومی، ارائه آموزش‌های تربیتی به مربیان جامعه، از آن جمله به والدین است. امروزه به رغم فراوانی آموزش‌های تربیتی، فراوانی و تعمیق این آموزش‌ها از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر است. آمارهای مربوط به رفتارهای نابهنجار جوانان و نوجوانان، فرار برخی از آنان از خانه، خودسوزی‌ها و خودکشی‌های عده‌ای از آنان، نشانگر این واقعیت تلخ است که پدران و مادران این‌گونه افراد پیش از بروز چنین رخ‌دادهای ناگواری، احتیاج به آموزش داشته‌اند. آموزش این افراد، به خصوص افرادی که به لحاظ فقر فرهنگی و اقتصادی، از چرخه این آموزش‌ها به دور می‌مانند، از اوجب واجبات است. این در حالی است که برنامه‌ریزان از جمله سازمان مدیریت و برنامه‌ریزی کشور، متأسفانه نه طرحی برای چنین فعالیت‌هایی دارد و نه در اندیشه کمک به سازمان‌هایی چون انجمن اولیا و مربیان کشور برای انجام این رسالت خطیر است.

در صورتی که به اهمیت آموزش‌های عمومی واقف شویم، نقش آن را در پیش‌گیری از بسیاری از آسیب‌های جسمانی، اجتماعی و روانی-تربیتی بپذیریم و معتقد باشیم که باید روزی در دستگاه عدل الهی پاسخ‌گوی سهل‌انگاری‌ها و ندانم‌کاری‌های خویش باشیم، شاید امروز به گونه‌ای متفاوت عمل کنیم.

هر کس که کارش به جایی می‌افتد، خواه آن محل دولتی، نیمه دولتی یا غیردولتی باشد، از نحوه رفتار کارکنان، شاکی است. مردم کشور ما هنوز به خوبی نیاموخته‌اند که حرمت دیگران را، به ویژه آن‌گاه که به صورت مراجع با آن‌ها مواجه می‌شوند، رعایت کنند. وقتی از کسی در اداره یا مغازه‌ای سؤالی می‌پرسیم اغلب با سردی و با سلب مسئولیت پاسخ می‌دهند. این در حالی است که اگر با فرد آشنایی مواجه شوند، حاضرند حقوق بسیاری از مردم را فدای این آشنایی کنند. گویی حقی برای کسی قائل نیستند. آیا اینان احتیاج به آموزش ندارند؟!

از جمله رفتارهای اجتماعی، رعایت قواعد راهنمایی و رانندگی است. بسیاری از رانندگان تنها به رسیدن خود می‌اندیشند و کاری ندارند که دیگران نیز می‌خواهند به مقصد خویش برسند. در نظر این رانندگان، دیگران نه حقی دارند و نه خواست و هدفی. این دسته از رانندگان به جای این که با هدایت عقلشان رانندگی کنند، با فشارهای درونی و عجله‌ای که خود هم نمی‌دانند برای چیست، رانندگی می‌کنند. رانندگان بسیاری را می‌بینیم که با سرعت زیاد از این اتومبیل و آن اتومبیل سبقت می‌گیرند تا لحظاتی زودتر به چراغ راهنما برسند و در آنجا توقف کنند تا همان اتومبیل‌های که از آن‌ها سبقت گرفته‌اند، به ایشان برسند و در کنار آنان متوقف شوند. رانندگانی نیز هستند که فکر می‌کنند خطوط جاده‌ها برای این است که آن‌ها را میان دو چرخ اتومبیل خود بگیرند و به راه خود ادامه دهند، گویی نمی‌دانند که این اتومبیل است که باید بین دو خط حرکت کند، نه این که خط بین دو چرخ اتومبیل حرکت نماید و بسیاری مطالب دیگر که باید رانندگان برای یک زندگی اجتماعی و انسانی بیاموزند.